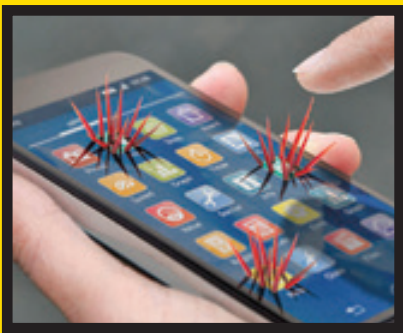


تبدیل عشق به نفرت با چاشنی فضای مجازی



صدیقی

رابطه ما از روی دل‌بستگی نبود بلکه وابستگی بود. عشق و علاقه بین ما نبود فقط از سر اجبار زیر یک سقف به زندگی مشترک مان ادامه می دادیم چون به دلایلی به هم وابسته شده بودیم. زندگی مرد دل خسته به گفته خودش در اوایل ازدواج شان با نشاط و عاطفه همراه بود اما رفته رفته بعد از گسترش شبکه های اجتماعی خلق و خوی همسرش تغییر کرد و از قید و بند خارج شد. زن خانواده با عضویت در تلگرام تمام وقت خود را صرف کانال ها و گروه های مختلف می کند که در این بین در تله یک مرد زن نما می افتد و زندگی اش در سرآشینی سقوط قرار می گیرد. رد و بدل شدن پیامک های ظاهرا زنانه مدتی ادامه پیدا می کند تا این که رفته رفته نقاب از چهره پسر جوان کنار زده می شود. البته همسرش هم کم و بیش مقصر بود چون او را به حال خودش گذاشته بود و اگر به گفته خودش همان ابتدا جلوی این افتضاح را می گرفت شاید این ماجراها پیش نمی آمد. کم کم با شب بیداری همسر، مرد خانواده به موضوع مشکوک می شود اما به گفته خودش بی خیال می شود تا

مقابل یکدیگر قرار نگیرند. مرد خانواده با رفتن در یک فرصت مناسب رمز گوشی همسرش را باز می کند و پی به راز او می برد. او می گوید: «وقتی پیامک های رد و بدل شده در تلگرام را خواندم متوجه شدم پسر ی جوان اقدام به ارسال پیامک می کرد و بعد از بررسی پیامک ها دیدم همسرم بعد از مدتی متوجه حقیقت شده بود. بعد از این اتفاق خیلی عصبانی شدم و عاقلانه تصمیم نگرفتم و با احساسم عمل کردم و همسرم را کتک زدم. او اعتراف کرد ناخواسته وارد این بازی دو سر باخت شده است. با رو شدن این ماجرا رابطه آن ها سرد تر می شود و هر روز از هم دورتر می شوند. مرد هر چه سعی می کند موضوع را به فراموشی بسپارد اما نمی تواند و هر

روز پرخاشگرتر از قبل می شود و به ضرب و شتم همسرش ادامه می دهد تا این که زن پیشنهاد طلاق توافقی می دهد. مرد ابتدا به خاطر این که زندگی و دو فرزندش را دوست دارد قبول نمی کند اما زن دیگر تحمل تحقیر و کتک خوردن را ندارد و مدام از شوهرش درخواست طلاق می کند. با بیراهه رفتن زن خانه به گفته همسرش دو فرزندشان که زرنگ و شاگرد اول مدرسه بودند به هم می ریزند و کلاس های تابستانی را کنار می گذارند و زندگی شان مختل می شود. زن این بار هوس خارج رفتن به سرش می زند چون با ارث پدری که به او می رسد زندگی مجردی را در سر می پروراند تا به قول همسرش آقا بالا سر نداشته باشد و سر همین ماجرا و گرفتن روایتی برای رفتن به خارج تمام پولش را با کلاهبرداری فردی شاید از دست می دهد و دست از پا درازتر نزد همسرش برمی گردد. مرد دل شکسته هم که دیگر رفق و آبرویی نزد فامیل برایش باقی نمانده پا در دادگاه خانواده می گذارد تا علاوه بر شکایت از پسر زن نما درباره زندگی خود و دو فرزندش بهترین تصمیم را بگیرد.

در سومین جلسه ستاد کنترل مجرمان مطرح شد؛

استعدادهای مجرمان حرفه ای استفاده صحیح شود

اظهار کرد: مظاهر و مصادیق این قبیل افراد در جامعه وجود دارد و می توان با تلاش نیروهای امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی این قبیل مجرمان را شناسایی و با رعایت اصل ضابطه مندی و همچنین دلالت و هدایت آنان به سمت مسیرهای صحیح و قانونی فرایند کار را به نحو مطلوبی سامان دهی کرد. به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان، بررسی روند اجرای مصوبات جلسه گذشته و استماع گزارش پیشرفت کار در راه اندازی سامانه اطلاعات (ساما) توسط معاونت آمار و فناوری اطلاعات دادگستری کل استان و همچنین ارائه گزارش رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی استان در خصوص اقدامات صورت گرفته در راستای برخورد با اراذل و آوباش از مهم ترین محورهای مورد گفت و گو در این نشست بود.

برخی مجرمان حرفه ای ذاتاً شرور نیستند و تعدادی از آن ها استعدادهایی دارند که اگر در جهت صحیح از آنان استفاده شود می تواند علاوه بر داشتن نقش های بازدارنده و پیشگیرانه از بروز جرایم و آسیب های اجتماعی، در تأمین نظم و امنیت بسیار راهگشا باشد.

رئیس کل دادگستری خراسان شمالی این مطلب را در سومین جلسه ستاد کنترل مجرمان مطرح کرد و ادامه داد: در این صورت احتمال دارد هم فرد اصلاح شود و هم نقش یک مصلح و اصلاح گر را در جامعه ایفا و به جامعه خدمات ارزشمندی را ارائه کند. حجت الاسلام «جعفری» در این جلسه با تأکید بر ایجاد زیرساخت ها و شرایط لازم در راستای تسهیل و امکان استفاده از ظرفیت ها و قابلیت های برخی مجرمان موضوع دستورالعمل

کودکان با مادر بزرگ، شوهر در زندان و او در کمپ، داستان یک زندگی

دیگ سیاه پایان زندگی یک زن

یوسف صدیقی

شوهرش آشپز است اما چه آشپزی! به گفته خودش سایه سر که نه آتش افکن اش، دستی در پخت و پز برای او و دیگران داشت. آتش های شوهرش شور و تلخ بودند چون چاشنی آن ها حرام بود. از تله شوهر اول قاچاقچی اش رهایی یافت و با طعمه شدن توسط برادرش در قلاب همسر دوم آشپزش که سارق از کار درآمد گیر افتاد. آتش هایی که شوهر سرآشپز برای همسرش می پخت یک وجب نه بلکه یک بشکه روغن داشت!

۱۷ بهار را پشت سر گذاشت که ازدواج اولش را تجربه کرد. شوهرش گفته بود تعمیرکار است اما قاچاقچی از کار درآمد. بنا به دلایلی از همسر اولش با دو فرزند جدا شد و با شوهر دومش که آشپز ماهری بود، آشنا شد. گذشت زمان نشان می داد کردار و ظاهر شوهرش با واقعیت خیلی فاصله دارد چون خیلی زود نقاب از چهره اش بر داشت. روزگارش بر مدار بی مهری می چرخید تا این که متوهم های همسرش آغاز شد.

زن جوان ابتدا از اعتیاد همسرش خبر نداشت اما رفته رفته اخلاق همسرش او را وادار به تفکر در این مورد کرد که چرا این رفتارها را دارد؟ ابتدا دلیل اش را نمی دانست تا این که روزی شوهرش او را به اسم مردانه که نام دوستش بود صدا و به او غرولند می کند و حرف های نامربوط می زند. زن رنج کشیده آهی می کشد و می گوید: روزی در خانه مشغول پخت و پز بودم که همسرم من را با یکی از دوستانش اشتباه گرفت

و به اسم مردانه صدا زد. ابتدا توجه نکردم اما با غرولند گفت چرا جوابش را نمی دهم. دوباره با صدا کردن من به اسم یک مرد گفت چرا فلان کاری را که به تو گفتم و قول دادی انجام ندادی؟

مات و مهیوت به او نگاه کردم که چرا این حرف ها را می زند، او ناگهان عصبانی شد و به جانبم افتاد و تا جایی که جا داشت کتک

ام زد. بچه های زن که متعلق به شوهر اولش بودند از دست شوهر دومش در امان نبودند و او به محض خماری همچون ببری به جان دو طفل خردسال می افتاد و زخمی شان می کرد و با کمک مادر خانه دوباره اوضاع آرام می شد. با پرخاشگری مرد، زن نگوین بخت از برادرش کمک می گیرد تا واکاوی کند دلیل این رفتارها چیست؟ برادرش خیلی صریح پاسخ خواهرش را می دهد که او به شیشه اعتیاد دارد چون قبل از ازدواج شان او با دوستش مواد صنعتی مصرف می کردند.

راز رفتارهای گیج کننده همسر فاش می شود و زن بی تاب کاسه چه کنم در دست می گیرد. چاره ای ندارد و باید بسازد و بسوزد و شاهد داغ شدن جگر گوشه هایش از سوی شوهر متوهم اش باشد.

شوهرش حتی او را به زور معتاد می کند تا مبدا دست از پا خطا کند و او را بابت سرقت هایش لو بدهد.

گریه امان زن جوان را می برد و دستی بر گونه هایش می کشد و تعریف می کند: «شوهرم بعد از گذشت چند ماه از زندگی مشترک مان شغل آشپزی را کنار گذاشت و به دزدی رو آورد و اسباب و وسایل دم

دستی مردم را به یغما می برد و خرج مواد صنعتی اش می کرد». شوهرش هر بار نزدیک صبح و هوای گرگ و میش به خانه مردم دستبرد می زد و وسایل سرقتی را به خانه می برد و گوشه ای انبار می کرد تا کم کم آن ها را دود کند. هر بار بعد از مصر ف

مجهزترین کلینیک تخصصی تعمیرات



تعمیر انواع خودروهای ایرانی و خارجی

هیوندا HYUNDAI تویوتا TOYOTA کیا KIA



تعمیر انواع موتور و گیربکس های

اتوماتیک در خراسان شمالی

با ضمانت تعمیر انواع خودروهای جدید سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور



تعمیرات جلوبندی و اکسل عقب

تعمیر و شستشوی انژکتورها و سرویس جهت تنظیم موتور

مشاور، مجری و ارزیابی تشخیص و کیفیت فنی خودرو

تعمیرات اساسی و کامل موتور با ضمانت سرویس

آدرس: خیابان امام خمینی _ ما بین چهارراه باسکول و چهارراه استقلال جنب آتش نشانی، نبش خیابان ایمان، داخل گاراژ مهدی مطرانلویی : ۰۹۱۵۱۸۷۹۴۵۱